



انترناسیونال ۵۰۲

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

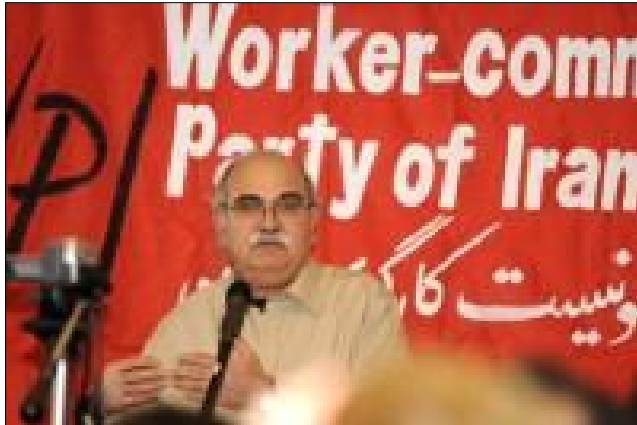


منصور حکمت hekmat.public-archive.net

جمعه ۶ اردیبهشت ۱۳۹۲، ۲۶ آپریل ۲۰۱۳ - ۱۴ صفحه

بشریت طبقه کارگر را بمیدان فرامیخواند!

پیام حمید تقوائی بمناسبت روز جهانی کارگر



هیچ زمان مانند امروز جهان
این چنین میان دو کمپ کار و سرمایه قطبی نبوده است.

صفحه ۲

اعتراضات کارگری و اول مه

شهاب دانشفر صفحه ۳

بازتاب هفته

بهروز مهرآبادی - یاشار سهندی

صفحه ۸-۹

زن آزاد

فرح صبری صفحه ۶-۷

شکستی دیگر برای جمهوری اسلامی

شهاب دانشفر صفحه ۶

جنبش زنان سرخپوش مریوان یک ارزیابی

مینا احدی صفحه ۴



آوار ساختمان "رعنا پلازا" بر سر کارگران پوشاک بنگلادش

بهروز مهرآبادی صفحه ۵



زنده باد اول مه روز جهانی کارگران

بشریت طبقه کارگر را بیدان فرامیخواند!

پیام حمید تقوائی بمناسبت روز جهانی کارگر

SOCIALISM NOW!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran



Savagery of the capitalist class knows no bounds

هیچ زمان مانند امروز جهان این چنین میان دو کمپ کار و سرمایه قطبی نبوده است.

در یکسو سودها و ثروت‌های نجومی انباشته شده است و در سوی دیگر فقر و ریاضت کشی اقتصادی و بیکاری و بی‌تامینی بیداد میکند. در یکسو دولت‌ها و قوانین و ارتش و پلیس و زندان و پاپ و کلیسا و آیت الله‌ها و اسلام‌یون و انواع نیروها و حکومت‌های قومی و مذهبی و ناسیونالیستی صف کشیده‌اند و در سوی دیگر توده عظیم کارگران و نود و نه درصد مردمی که از همان حداقل حقوق و خدمات اجتماعی که حاصل مبارزات طبقه کارگر در دهه‌های گذشته بود محروم شده و از "نظم نوین" سرمایه بجز فقر و بی‌تامینی و بی‌حقوقی بیشتر نصیبی نداشته‌اند. این بیان کار سرمایه‌داری عصر ما، سرمایه‌داری بازار آزاد است که با فروپاشی سرمایه‌داری دولتی کمپ شرق بیش از سه دهه است افسار گسیخته و بلامنازع بر جهان حکومت می‌کند.

با اینهمه امروز کمپ سرمایه بیش از هر زمان دیگر رسوا، بی‌افق و بی‌چشم انداز است. جنگ و دیکتاتوری و فقر و نابرابری، و همچنین نیروها و حکومت‌های مذهبی و قومی سرکوبگر از نوع جمهوری اسلامی همه مستقیماً و بلاواسطه و عریان و آشکارتر از همیشه حاصل سلطه سرمایه‌داری و از ملزومات حفظ و بقای این نظام ضد انسانی است. دیگر جایی برای هیچ عذر و بهانه و توجیهی باقی نمانده است. نه مانند گذشته نابرابریها و مصائب اجتماعی و فقر و اختناق و توحش حکومت‌های قومی و مذهبی را میتوان به عدم رشد صنعت و وجود عقب ماندگیهای فئودالی و نیمه فئودالی

میتواند بر سلطه سرمایه‌داران نقطه پایان بگذارد. بمیدان آمدن طبقه کارگر در سطح سیاسی و بعنوان نماینده آینده بشریت و از لحاظ عملی و مبارزاتی بعنوان نیروی که شیشه عمر سرمایه را در دست دارد، در رهائی بشریت نه تنها از استثمار و بردگی مزدی، بلکه از شرایط قرون وسطائی که نمایندگان مذهبی و قومی و ملی سرمایه در دوره بعد از جنگ سرد بر جوامعی مثل جامعه ایران تحمیل کرده‌اند، دارای نقشی مطلقاً حیاتی و تعیین‌کننده است.

اول ماه مه امسال باید این پیام را به خیابانها برد. باید نود و نه درصدیها در همه کشورها بدانند که طبقه کارگر است که آینده بشریت را نمایندگی میکند. بدانند که راه از میان برداشتن شکاف عظیمی که بین ثروت و قدرت یک درصدها و فقر و بی‌تامینی اقتصادی و بی‌اختیاری نود و نه درصد جامعه وجود دارد سوسیالیسم و تنها سوسیالیسم است. پیام اول ماه مه امسال تاکید مجددی بر این واقعیت پایه‌ای است که دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم منجلائی

حکومت اسلامی سرمایه و تحقق آزادی و رهائی و برابری و رفاه تنها میتواند با قدرت‌گیری طبقه‌ای تامین بشود که در استثمار و سود و رقابت و انباشت سرمایه، و در اسلامیت و قومیت و ناسیونالیسم و خاکپرستی مستلزم سلطه سرمایه، مطلقاً هیچ منفعتی ندارد. راه پیشروی و پیروزی، راه بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و راه خنثی کردن نیروهای ارتجاعی مذهبی و قومی و دولتهای غربی و منطقه‌ای که برای دخالتگری در فردای ایران خود را آماده میکنند عروج قدرتمند طبقه کارگر با حزب سیاسی اش، حزب کمونیست کارگری، و با کلیه نهادها و چهره‌ها و تشکلهایش در دل و در راس مبارزات توده‌ای است. این پیام اول ماه مه امسال برای نجات مردم ایران از منجلائی اسلامی سرمایه است.

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد اول ماه!

حمید تقوائی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۲ اردیبهشت ۱۳۹۲

۲۲ آوریل ۲۰۱۳

بیش نخواهد بود. این پیام بویژه در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی که منجلائی سرمایه در شکل یک حکومت مذهبی قرون وسطائی همه چیز را به قهقرا کشیده است، بیش از هر جامعه دیگری حقانیت و ضرورت خود را نشان میدهد. در ایران تحت سلطه حکومت اسلامی سرمایه پرچم مبارزه نه تنها علیه فقر و استثمار نابرابری، بلکه مبارزه ضد مذهبی، مبارزه علیه آپارتاید جنسی و علیه اعدام و سرکوب و علیه توحش سرمایه‌داری شده نیز در دست طبقه کارگر است. جامعه ایران آستان تحولات زیر و رو کننده‌ای است. این تحولات بدون عروج طبقه کارگر در عرصه سیاست و در بجالش کشیدن قدرت سیاسی و بدون حضور فعال چهره‌ها و فعالین و نهادهای کارگری در پیشاپیش مبارزات زنان و جوانان و نود و نه درصد مردم متنفر از رژیم اسلامی، میتواند به هر نتیجه‌ای منجر بشود بجز رهائی و آزادی جامعه. اول ماه مه امسال بویژه روز تاکید بر این واقعیت است که خلاصی از شر

اعتراضات کارگری و اول مه



شلا دانشفر

بدنبال پایان تعطیلات نوروزی اعتراضات کارگری با شدتی بیشتر از سر گرفته شد. این درحالیست که در آستانه اول مه روز جهانی کارگر قرار داریم و گفتمان بر سر اعتراضی گسترده به مناسبت این روز در میان رهبران و فعالین کارگری بالاست. از سوی دیگر مضحکه انتخابات رژیم اسلامی در پیش است و رژیم اسلامی را تب گرفته است که چگونه از این پیچگاه عبور کند. فقر و گرانی نیز فغان کارگران و کل جامعه را بلند کرده است و با وجود اینکه رژیم هر روز بر سرکوبگریهایش شدت میدهد، هر روز بر لیست اعدامهایش می افزاید و فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری را شدت داده است، چگونگی رها شدن از شر جهنم جمهوری گفتمان مردم است. در این میان سران رژیم نیز بیش از هر وقت به جان هم افتاده و از حرفهای ناگفته علیه یکدیگر سخن میگویند و پرونده های دزدی ها و جنایات همدیگر را در برابر جامعه رو میکنند. وضعیتشان آنچنان بهم ریخته است که برای نمونه وقتی احمد نژاد فراخوان به میتینگ استادیوم آزادی دارد عوض حیدر عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس اسلامی در گفتگویی با رادیو فردا این اقدام را قشون کشی در برابر "نظام و رهبری" و آنرا غیر "قانونی" خواند.

کل این تصویر نشان میدهد که اوضاع رژیم اسلامی از چه قرار

است و به گستردگی اعتراضات کارگری باید در متن چنین شرایطی نگاه کرد. همچنین به روز جهانی کارگر که روز اعتراض سراسری کارگران و کل جامعه علیه کل توحش سرمایه داری است، باید در متن چنین شرایطی نگاه کرد. نگاهی به فضای اعتراضی در میان کارگران در همین دو هفته آخر فروردین به روشنی حال و هوای امروز جنبش کارگری و کل جامعه را نشان میدهد.

از جمله مهمترین موضوع مهم اعتراض کارگران امروز، اعتراض به تصمیم جنایتکارانه رژیم اسلامی مبنی بر تعیین ۴۸۷ هزار تومان به عنوان میزان حداقل دستمزد ها در سال جاری است. در شرایطی که گرانی و تورم بیداد میکند و افزایش قیمت ها سیر صعودی دارد، چنین تصمیمی از سوی جمهوری اسلامی به معنی تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به کارگران و کل جامعه است. نتیجه مستقیم چنین تصمیمی از هم پاشیدن بیشتر خانواده های کارگری، محروم شدن بیشتر کودکان کارگران و بخش های محروم جامعه از تحصیل و بی تامینی مطلق میلیونها خانواده کارگری است. کارگران به این دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر معترضند. ابعاد این اعتراض آنچنان گسترده است که خود دولت را به تکاپو انداخته است. از جمله تشکلهای دست ساز دولتی نظیر کانون عالی شوراهای اسلامی و یا کانون عالی انجمن های صنفی کارگری، با طرح شکایت به دیون عدالت اداری جمهوری اسلامی تلاش دارند بر موج اعتراض کارگران سوار شوند. اینان که خود یک پای شورای عالی کار و تصمیم گیری جنایتکارانه اش بر سر ۴۸۷ هزار تومان حداقل دستمزد بوده اند، اکنون با راه انداختن هیاهو بر سر شکایت به "دیوان عدالت

اداری" و اینکه مثلا چرا میزان حداقل دستمزد ۶ درصد کمتر از نرخ تورم تعیین شده مرکز آمار دولت است، میکوشند که مبارزه کارگران علیه دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر را منحرف کنند و با این کار کارگران را تا آخر سال سر بدوانند و کنترل اوضاع را بدست داشته باشند. اما گفتمان کارگران تجمع و اعتصاب است. برای نمونه اتحادیه آزاد کارگران ایران طی اطلاعیه ای در ۲۰ فروردین تحت عنوان لغو مصوبه حداقل مزد و افزایش فوری دستمزدها تنها با اعتصاب و تجمعات اعتراضی ممکن و میسر، بیانگر همین خواست و اعتراض است. این را در بیانیتهای اعتراضی دیگر تشکلهای کارگری نیز میتوان به روشنی دید. موضوع اعتراض علیه فقر و گرانی و علیه دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر موضوع اعتراض نه فقط کارگران، بلکه کل جامعه است. این موضوعی است که بدون شك مهر خود را بر اول مه و قطعنامه و فضای اعتراضی آن خواهد زد. این موضوع، بطور واقعی امروز کل جامعه را به حالت انفجار درآورده است. بطوریکه کابوس "شورش گرسنگان" به کابوس هر روزه رژیم اسلامی تبدیل شده است.

در همین راستاست که در دو هفته اخیر شاهد دهها حرکت اعتراضی در مراکز مختلف کارگری هستیم. در این مبارزات کارگران علیه دستمزدهای پرداخت نشده، علیه بیکاری و بیکارسازیها، علیه شرایط برده وار کار و قرار دادهای موقت و غیره به اعتراض برخاسته و در واقع محور اصلی همه این اعتراض فقر و محرومیت وسیع کارگران است. از جمله این اعتراضات برخورد مردم معترض در جریان سفرهای استانی احمدی نژاد جنایتکار است که این

سفرها بطور واقعی بخشی از کمپین انتخاباتی اوست. در همین هفته حضور وی در هویزه در خوزستان به صحنه اعتراض جوانان و کارگران بیکار در آنجا تبدیل شد و مردم معترض با شعار، بیکاری، بیکاری صدای اعتراض خود را بلند کردند. نظیر چنین استقبالی قبلا نیز در پالایشگاه آبادان در هنگام سفر احمدی نژاد برای افتتاح فاز سوم پالایشگاه اتفاق افتاده بود. در آن هنگام علیرغم همه تلاش مقامات مسئول برای بیخبر نگاهداشتن کارگران از حضور وی، همان تعداد کارگری که از موضوع با خبر شده بودند، خود را به محل رساندند و با شعارها دروغگو، دروغگو، مرگ بر دیکتاتور کاری کردند که مقامات مسئول ناگزیر احمدی نژاد را مخفیانه از درب دیگری وارد و بعد هم دور از چشم کارگران از محل خارج کردند.

نمونه دیگر از اعتراضات دو هفته اخیر کارگری، اعتصاب یکپارچه ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا است. خود کارگران این حرکت را بزرگترین اعتصاب کارگری در سال جدید خواندند. در این حرکت اعتراضی در روز اول اردیبهشت صد کارگر اخراجی، به نشانه اعتراض وارد کارخانه شدند و بعد تمام کارگران کارخانه شیف صبح و شب به آنها پیوستند و علیه اخراجها و تعویق دستمزدهایشان یکپارچه و متحد وارد اعتصاب شدند. با قدرت اعتصاب کارگران، کارفرما که به خیال خود با اخراج صد نفر از کارگران و تمدید قرارداد ۱۱۰۰ کارگر دیگر این کارخانه فقط برای یکماه، تدارک تهاجم وسیعی را دیده بود، عقب زده شد و کارگران حسابش را کف دستش گذاشتند. در نتیجه در روز دوم اعتصاب کارفرما ناگزیر شد دستمزد بهمن ماه کارگران را پرداخت کند و وعده

پرداخت فوری دستمزد اسفند ماه آنان را بدهند. پس از این عقب نشینی کارگران موقتا به سر کارشان بازگشتند و اعلام داشتند اگر همه طلبهایشان پرداخت نشود و کارگران اخراجی سر کارشان باز نگردند این اعتراضات از سر گرفته میشود. اعتصاب قدرتمند کارگران نورد لوله صفا یک الگوی موفق دیگر برای خیل عظیم کارگرانی است که با معضل دستمزد های پرداخت نشده روبرویند. اعتصاب کارگران نورد لوله صفا در عین حال در شهری اتفاق می افتد که یک مرکز مهم کارگری در ایران است و اعتراضی با چنین قدرت تاثیر مستقیمی بر فضای شهر و دیگر مراکز کارگری در این شهر دارد. ترس دولت و کارفرما نیز همین است.

نمونه های دیگر از اعتراضات کارگری در دو هفته اخیر، تحصن کارگران کارخانه "فارسیست" در مقابل فرمانداری دورود در اعتراض به اخراج ها، تجمع اعتراضی کارگران قند اهواز در اعتراض به ۲۷ ماه دستمزد پرداخت نشده و بلاتکلیفی وضع کارخانه در مقابل استانداری، تجمع کارگران کاشی رویال سمنان در اعتراض به دو ماه دستمزد معوقه خود در مقابل استانداری، تجمع کارگران راه آهن یزد با خواست کوتاه شدن دست پیمانکاران در مقابل استانداری، تجمع اعتراضی کارگران دوب آهن زاگرس کردستان در اعتراض به سه ماه دستمزد پرداخت نشده خود در مقابل فرمانداری قروه، تجمع متقاضیان مسکن مهر مقابل استانداری زنجان برای دومین روز متوالی در ۲۹ فروردین، تجمع روز ۲۷ فروردین کارگران کارخانه نساجی اصفهان سیمین نو مقابل مجلس اسلامی در اعتراض به

جنبش زنان سرخپوش مریوان یک ارزیابی

مینا احدی

دوشنبه ۲۶ فروردین (۱۵ آوریل) یک بعد از ظهر آفتابی در شهر مریوان. یک ردیف ماشین پلیس و نیروهای سرکوبگر اسلامی در وسط شهر در حرکت هستند و یک روسری قرمز بلند که باد آنرا تکان می‌دهند و از دور دستها هم قابل رویت است، توجه‌ها را بخود جلب میکند. سرکوبگران با صدای بلند از بلندگو چیزی میگویند و مردم نظاره گر این راهپیمایی و قدرتمایی نیروهای حکومتی، از خود میپرسند چه خبر شده، این اوباش چه میخواهند و اینبار به کجا میخواهند حمله کنند؟

بعد از مدتی روشن میشود یک مرد را که در یک نزاع خانوادگی بین دو خانواده محکوم شناخته شده در مرکز شهر با لباس زنانه میچرخانند و یک مامور انتظامی حکومت روسری قرمز رنگی که با باد میرقصد را بر سر او گرفته و بدین ترتیب به دیگران و به جامعه دارند نشان میدهند اگر جرمی مرتکب شدید و متهم بودید این بار قرار است مجازات شما این باشد که شما را با زنان مقایسه کنند لباس زنانه بر تن شما کنند و بدین ترتیب بنا بر فرهنگ اسلامی خود، در نهایت درجه تحقیرتان کنند. قرار است روز بعد دو مرد دیگر را هم که محکوم شده بودند، با همین حالت در شهر بچرخانند.

این ماجرا طبعاً در ادامه رفتارهای قرون وسطایی یک حکومت سرکوبگر بود که برای تحقیر جوانان آفتابه بر گردن آنها می انداخت و یا آنها را سوار بر الاغ در شهر میگرداند. از این اتفاقات در طول حکومت سی و چند ساله این فاشیستها بسیار

اتفاق افتاده است. این بار موضوع این بود که زن بودن و زنانگی را نهایت تحقیر تشخیص داده و از آن برای تنبیه مردان استفاده میکردند و بخیال خودشان از این طریق میخواستند بیش از همیشه مردان را تحقیر کنند!

مریوان اما لحظاتی در بهت و حیرت این صحنه را دید ولی طولی نکشید که چند زن شجاع و عصبانی سوت یک حرکت اعتراضی را بصدا در آوردند و با اعتماد به نفس جرقه یک اعتراض اجتماعی و عمومی را زدند و صدها نفر به آنها پاسخ دادند.

حکومت به این تجمع که چهار صد نفر در آن شرکت کردند، یورش برد، سیزده نفر را دستگیر کرد و تجمع را بهم زد. ولی مزدوران حکومتی در مریوان وقتی خشم و نفرت مردم را دیدند و از ترس برای ساکت کردن اوضاع همه دستگیر شدگان را سه شنبه شب آزاد کردند. اما موضوع مجازات مردان با پوشاندن لباس زنانه که در اعتراض به این رفتار رژیم صورت گرفت، گردن رژیم اسلامی را گرفته بود و اعتراضات از مریوان به شهرهای دیگر کردستان و ایران و دنیا رسید.

در یک ابتکار بسیار جالب و تابو شکنانه یک سایت فیس بوکی شروع به کار کرد که در آن مردان با لباس زنانه عکس گرفته و آنرا علنی کردند. سایتی با این اسم: "زن بودن ابزار تحقیر و تنبیه هیچ کس نیست" اکنون بیش از ۹۰۰۰ عضو دارد و بیش از چهل هزار نفر در مورد این صفحه بحث کرده و روزانه هزاران نفر از آن بازدید میکنند.

روز جمعه ۱۹ آوریل مجدداً به فراخوان زنان مریوان - که

تا کنون در پنجویں و سلیمانیه عراق میتینگهایی در دفاع از زنان مریوان برپا شده و روز پنجشنبه ۲۶ آوریل همزمان در سلیمانیه و فرانکفورت آلمان میتینگهایی بود و حاضرین رفتار وقیحانه حکومت اسلامی را محکوم کردند. در سلیمانیه صدها نفر در این میتینگ که به فراخوان چندین نهاد مدافع حقوق زن بر پا شد حضور داشتند.

حرکتی وسیع شروع شد. چندین طومار اعتراضی از مردم سنندج دیواندره و شهرهای کردستان منتشر شد و انجمن‌ها و نهادهای مدافع حقوق زن از ایران و عراق با دادن اطلاعیه و بیانیه این عمل حکومت را محکوم کردند. بیانیه زنان سوسیالیست

ستیزی و تحقیر زنان است نباید این موضوع را پنهان کند که اعتراض به تحقیر جوانان و روش های قرون وسطایی مجازات در جمهوری اسلامی نیز یک واقعه مهم است و در بیانیه های زنان سرخپوش مریوان به این دو موضوع بدقت اشاره شده و به سیستم و روابط و مناسباتی حمله شده که زمینه ساز جرم است و در عین حال بشدت به زن ستیزی و



حمایت سازمانهای مدافع حقوق زنان در سلیمانیه از زنان سرخپوش مریوان

تحقیر زنان که در این واقعه برجسته است اشاره شده است. یک موضوع دیگر اینست که این موضوع در مریوان اتفاق افتاده ولی میتوانست در تبریز و تهران و یا شیراز پیش بیاید و ربطی به کرد بودن و یا لباس زنانه کردی ندارد بلکه موضوع عمومی است و تحقیر زنان علی العموم از سوی حکومت اسلامی مورد اعتراض است.

یک واقعه در این اعتراضات مهم بود و آن پوشیدن لباس زنانه ادامه صفحه ۱۲

خبر این اعتراضات و بویژه خبر اینکه مردان لباس زنانه پوشیده و به این حرکت پیوسته اند چون بسیار سنت شکنانه است در بسیاری از رسانه های معتبر بین المللی منعکس شده است از جمله ایندپندنت دیلی میل دیلی تلگراف و سی ان ان و یا رسانه های سوئدی و آلمانی و دانمارکی و رسانه های ترکیه و رسانه های عرب زبان از کشورهای مختلف اینرا پوشش خبری داده اند. این یک واقعه مهم است. در حاشیه عکس العمل‌ها دو نکته را بهتر است یادآوری کنم. اینکه این اعتراض به زن

سنندج و یا بیانیه ای با امضاء فعالین شناخته شده مدافع حقوق زن در خارج از کشور از این نمونه ها است. اکثر احزاب سیاسی و نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی در این مورد اظهار نظر کرده و حکومت اسلامی را محکوم کرده اند. ما از طرف "فتنه- جنبش برای رهایی زن" کمپین دفاع از زنان سرخپوش مریوان را فراخوان داده و تا کنون اخبار این واقعه را مرتباً پوشش داده و خبر آنرا در سطح بین المللی تا جایی که امکانش بوده پخش کرده ایم.

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

آوار ساختمان "رعنا پلازا" بر سر کارگران پوشاک بنگلادش



تظاهرات کارگران پوشاک و نساجی در داکا در اعتراض به قتل بیش از ۳۰۰ نفر از همزنجیران خود در ساختمان رعنا پلازا

های معروفی نظیر والت مارت در آمریکا، مانگو در اسپانیا، بنتون در ایتالیا، اند آ در آلمان، اچ پ در سوئد بخش بزرگی از محصولات خود را از تولید کنندگان بنگلادشی خریداری می کنند. ساختمان های با شکوه و مجلل این شرکتها، سودهای هنگفت و میلیاردي و زندگي افسانه ای روسای و صاحبان این شرکتها مدیون بردگی میلیونها کارگران نساجی و پوشاک بنگلادش است. کارگرانی که در تله های مرگ نظیر "رعنا پلازا" به تولید سود و ثروت برای سرمایه داران بنگلادشی و غیر بنگلادشی مشغولند.*

رعنا پلازا از ترس کارگران و مردم خود را مخفی کرده است. هر سال میلیونها عدد پیراهن، شلوار، کاپشن و لباس های مختلف توسط کارگران مشغول به کار در ساختمان "رعنا پلازا" تولید شده است. مزد این کارگران که بسیاری از آنها را زنان تشکیل می دهند دهها برابر کمتر از يك کارگر اروپایی است، شرکت های بزرگ فروشنده پوشاک نظیر پریمارک و ماتالان در انگلیس و شرکت تکسمان در دانمارک بخشی از محصولات خود را از تولیدی ها مستقر در "رعنا پلازا" تهیه می کرده اند. بجز آن شرکت

بر اساس آمار رسمی بیش از ۷۰۰ نفر کارگر بنگلادشی در سوانح مختلف آتش سوزی یا ریزش آوار جان داده اند. تمام این سوانح با رعایت اصول ایمنی جلوگیری بوده ولی حتی در يك مورد مالکین ساختمان ها و یا روسای کارخانه ها مورد محاکمه و پیگرد قرار نگرفته اند. در حالی که دولت و قوانین حاکم بر بنگلادش با هر اعتراض کارگران پلیس و نیروهای ضد شورش را برای سرکوب آنها می فرستد، سرسختانه از سرمایه داران و جنایات آنها حمایت می کند. بر اساس گزارش های منتشر شده مالک ساختمان

گذشت سه روز هنوز جستجو ادامه دارد، آمار کشته شدگان به بیش از ۳۰۰ نفر رسیده است. تعداد زیادی مجروح هستند و حال تعدادی از آنها بسیار وخیم است. این ساختمان بزرگ ۸ طبقه کاملاً فروریخته است و فقط دیوارهای طبقه اول آن سر پا هستند. تا صبح روز جمعه گفته میشود که هنوز ۱۰۰۰ نفر دیگر در زیر آوار مانده اند و فریاد های کمک خواهی محبوسین در زیر آوار بگوش میرسد.

در اعتراض به شرایط غیر انسانی و ظالمانه کاری و در همدردی با قربانیان این واقع صدها هزار نفر کارگر نساجی و پوشاک بنگلادش روز ۲۵ آپریل را تعطیل اعلام کردند و روسای بسیاری از کارخانه ها را وادار کردند تا این تعطیلی را قبول کنند. کارگران جاده های اصلی در سه منطقه اصلی صنعتی داکا را بستند و به کارخانه هایی که صاحبان آنها حاضر به تعطیلی نشده بودند، حمله کردند. پلیس مثل همیشه به حمایت از سرمایه داران برخاست و با گاز اشک آور و گلوله های پلاستیکی به کارگران حمله ور شد.

تشکل های کارگری بنگلادش گزارش دادند که روز قبل به مالکان ساختمان در مورد شکاف های بوجود آمده در دیوارها و سقف ها هشدار داده شده بود. اما آنها اهمیتی نداده و صاحبان کارخانه های پوشاک کارگران را مجبور به ادامه کار کردند. مالک این ساختمان سوهل رعنا از رهبران حزب حاکم عوامی لیگ است که در سال ۲۰۰۷ آن را بنا کرد. اعلام شده است که او برای این ساختمان از اداره ایمنی ساختمان ها مجوز نگرفته و شهردار منطقه خود شخصا و بطور غیر قانونی اجازه ایجاد این ساختمان را داده است. در يك بررسی کوتاه مشخص شده است که هیچگونه ضوابط ایمنی در احداث آن در نظر گرفته نشده است. فساد و رشوه خواری در دستگاههای اداری و دولتی بنگلادش جان و زندگي انسانها و بویژه کارگران را بی ارزش کرده است.



بهروز مهربادی

صبح روز چهارشنبه ۲۴ آپریل چهارم اردیبهشت ساختمان ۸ طبقه رعنا پلازا در منطقه پرجمعیت و فقیر نشین ساوار در حومه داکا پایتخت بنگلادش، مملو از جمعیت است. پنج کارخانه تولید پوشاک و چندین کارگاه کوچک و مغازه های مستقر در این ساختمان کار خود را آغاز کرده اند. فقط يك شعبه بانک واقع در طبقه اول ساختمان تعطیل است. شکافهای بزرگی که از روز قبل در دیوارهای ساختمان ایجاد شده است، نگران کننده اند و احتمالاً کارمندان بانک توانسته اند روسای خود را برای تعطیل کردن، قانع کنند.

صدای ماشین های مختلف دوزندگی و برش پارچه، فریاد های سر کارگرها و ترافیک خیابانهای اطراف فضا را پر کرده است. اما حوالی ساعت ۹ صبح صدای مهیب و ناهنجار دیگری تمام صداها را خاموش می کند. سقف ها، ستون ها و دیوارهای سیمانی این ساختمان ۸ طبقه بر سر کسانی که در آن مشغول کار و زندگي هستند، فرو میریزد. هنوز آمار دقیقی در دست نیست، اما گفته میشود که در لحظه ریزش آوار نزدیک به ۳۲۰۰ نفر در ساختمان بوده و در زیر آوار صدها تن سیمان و فولاد مدفون می شوند.

در چندین ساعت اول این سانحه میزان کمک رسانی نهادهای دولتی بسیار ناچیز است. مردم منطقه به کمک می آیند و با دست خالی تلاش می کنند تا قطعات سنگین ساختمانی را کنار بزنند. پس از



در ساعات اولیه مردم منطقه به کمک شتافتند و با دست خالی قطعات بزرگ ساختمانی را از روی مدفون شدگان کنار زدند.

ختنه ی جسمی و روحی دختران

فرح صبری

در باره ختنه دختران در کشورهای آفریقایی و عربی و همچنین در مناطقی از ایران مطالب و گزارش های بسیار دردناکی تاکنون منتشر شده است. روزانه ۸ هزار دختر در سراسر جهان به وحشیانه ترین اشکال ختنه میشوند و تعداد زنان و دختران ختنه شده در جهان به ۱۵۰ میلیون مورد بالغ می شود. این آمار تکان دهنده و دردناک است. از دردها و عوارض بسیار وحشتناک عمل ختنه ی دختران گفته شده و اینکه حتی اگر دختران ختنه شده جان سالم بدر برند تا آخر عمر عذابی بزرگ را با خود حمل میکنند و در واقع به جز شوک روانی که دختران بعد از انجام ختنه با آن روبرو میشوند از موارد بیشمار عوارض زودرس بعد از ختنه دیگر مانند عفونت های شدید و آسیب مجرای ادرار، بیماری کزاز، عفونت مثانه و عفونت های خونی و همچنین عوارض دراز مدت و همیشگی مانند عفونتهای مزمن و متناوب مجرای ادرار و لگن که میتواند به نازایی و تشکیل کیست و دمل در ناحیه ی زنانه منجر شود و همچنین ناراحتی های روانی نظیر افسردگی، گزارش تهیه شده است. گزارشهای موثقی در باره وجود ختنه دختران در مناطقی از ایران مانند استانهای هرمزگان و خوزستان و کردستان و نواحی از آذربایجان به ثبت رسیده است به طوری که رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی ایران نیز میگوید: با آنکه عمل ختنه دختران ریشه در هیچکدام از آداب و رسوم گذشتگان ایران ندارد اما باز هم در برخی از روستاها و مناطق دور افتاده کشور، شاهد این جنایات در برابر دختران ایرانی هستیم. البته هنوز در باره ایران هیچ آمار دقیقی از تعداد قربانیان عمل ختنه به

دست نیامده است و هیچ ارگان رسمی خود را پاسخگوی این جنایت نمیداند. تا همینجا نیز گزارشها و تحقیقات توسط فعالین زنان و کودکان در این عرصه تهیه شده است و پرده از گوشه های اندکی از این جنایت خاموش برداشته شده است.

ریشه های فکری مشترکی در تمامی مواردی که عمل ختنه دختران را انجام داده اند وجود دارد. اینکه که میگویند برای حفظ پاکدامنی دختران این کار را انجام میدهند. و در موردی در گزارشی گفته شده است برای اینکه دختران نشان دوست پسر نگیرند و یا اینکه وفادار با همسرانشان باقی بمانند و در واقع برای اینکه دختران نتوانند از قوای جنسی خود بهره برده و لذت ببرند آلت جنسی آنان را مثله و نابود میکنند. آنچه که این عمل شنیع غیر انسانی را همچنان باز تولید میکند و زنده نگاه میدارد این واقعیت است که در مناسبات ضد زن و مرد سالار، زن هیچ حقی بر بدن خود ندارد. در این مناسبات زن باید خود را متعلق به شوهرش بداند و باید تنها ابزار لذت جویی صاحبش باشد و اساسا لذت بردن زنان از سکس و ارتباط جنسی یک تابو میباشد و دختران اگر به این قوای جنسی خود فکر هم نکنند مرتکب گناه بزرگی شده اند. حتی اگر در بسیاری از مناطق خوشبختانه دیگر اثری از ختنه دختران وجود نداشته باشد اما همچنان تابوی سکس، دختران را "ختنه روانی" میکند. هرچند شاید مذاهب گوناگون از جمله اسلام جرات دفاع صریح از این جنایت بر علیه زنان را نداشته باشند اما با توجیه و رواج ایدئولوژیک مناسبات مرد سالار پایه های وجودی ختنه دختران را محکم میکنند و زنان اجازه ندارند همانند مردان از داشتن امیال انسانی به خود ببالند و یا حتی در باره ی آن

صحبت کنند.

لذت جنسی برای زنان يك گناه است. در این مناسبات زن انسان به حساب نمی آید و این آنچیزی است که بساط سرمایه در قرن بیست و یک به آن احتیاج دارد تا بتواند نیمی از جامعه را از فکر به داشتن حقوق برابر با مردان به دور نگهدارد و برای همین به مذهب و هزار سنت عقب افتاده و ارتجاعی متوسل میشود تا بتواند بساط کثیف سود آوریشان را زنده نگاهدارند. این بخشی از سیاست های اسلام سیاسی است که سهم خود را از بازار چپاول و غارت سرمایه داری طلب می کند و در کشورهایی نظیر سومالی، سودان، یمن و بسیاری دیگر از کشورهای اسلام زده بساط خود را گسترده است. و از همین رو نمیتوان تنها با آگاهگری کردن و نشان دادن قبح عمل شنیع ختنه به جنگ این کهنه پرستی رفت. تا زمانی که قوانین اسلامی بر این جوامع حکمفرما و این مناسبات ضد زن برقرار باشد و زن هویت انسانی خودش را تمام و کمال باز نیابد ما همچنان شاهد جنایت ختنه ی دختران و همچنین قتلهای ناموسی و انواع خشونتها و تجاوزها بر علیه زنان هستیم. سالها بدن زنان و دختران را مثله کرده اند و امروز زنان بدنشان را به عنوان سلاح شان انتخاب کرده اند و بر روی سینه هایشان مینویسند "بدن من مال من است". این فریادی است که جنبش مدرن زنان بلند کرده است. جنبشی که میداند مذهب دشمن هویت انسانی زنان است و بر علیه آن شوریده است. و از همین رو باید تمامی دختران و زنانی را که قربانی سنت ارتجاعی ختنه بوده اند و همه ی فعالین این عرصه را به پیوستن به جنبش مدرن زنان فرا خواند تا با اتحاد و همدلی همه ی زمینه های ضدیت با زن را نابود کنیم و ریشه های این سنت

ارتجاعی را بخشکانیم و بساط مناسبات کثیف مذهب، مرد سالاری و سرمایه را با هم به زباله دان تاریخ بیاندازیم و برای برابری کامل زن و مرد و بر پایی يك دنیای انسانی مبارزه خود را به پیش ببریم.*

شکستی دیگر برای جمهوری اسلامی

شهلا دانشفر

بلافاصله تعدادی از زنان معترض مریوان با بر تن کردن لباس سرخ به خیابانها آمدند و در ظرف مدت زمان کوتاهی حرکت به راهپیمایی بیش از ۴۰۰ نفر از زنان و مردم معترض در وسط این شهر تبدیل شد. این اعتراضات ادامه یافت و وقتی به اوج خود رسید که مردان بسیاری با پوشیدن لباس زنانه و با اعلام اینکه لباس زن بر تن کردن تحقیر نیست، به میدان آمدند و عکس های آنها مدیای اجتماعی را فرا گرفت. روند اوضاع نشان داد که مساله تنها محدود به مریوان نیست. بلکه موضوع اعتراض به حکومتی است که ضدیت با زن هویتش است و در حاکمیت سی و چند سال اش، زنان مورد تحقیر و ستم سیستماتیکی قرار گرفته اند. بدین ترتیب اعتراض علیه رژیم آپارتاید جنسی بطور واقعی از شهر مریوان شعله کشید و بلافاصله ابعاد اجتماعی بخود گرفت. "جنش رهایی زن، فتنه" که در همین فاصله اعلام موجودیشت را منتشر کرده بود، کمپینی تحت عنوان "در حمایت از زنان سرخ پوش مریوان" را اعلام داشت. با تلاش چهره های جهانی این جنبش از جمله مینا احدی و مریم نمازی موضوع ابعادی جهانی پیدا کرد و ۲۷ آوریل به روز اعتراضی جهانی در حمایت از "زنان سرخپوش ادامه صفحه ۱۱





در انتظار یک تابستان داغ

فرح صبری

دیگری دارد.

سردار منتظر المهدی در گفت و گوی با ایسنا با بیان اینکه طرح امنیت اخلاقی در راستای صیانت از شان و منزلت زنان اجرایی می‌شود، در پاسخ به این سوال که آیا دستورالعمل طرح امنیت اخلاقی بازنگری شده است یا خیر؟ گفت: بله، همه چیز در این مورد مشخص و معین شده است و حتی پرسنل زن ما نیز آموزش‌های لازم در این زمینه را کسب کرده‌اند و ابعاد جامعه شناسی و روانشناسی در این بحث رعایت شده است. این سردار فلك زده و "منتظر" که دیگر پشم و پیلش ریخته و بزور خودش را سرپا نگه میدارد تا بتواند از طرح امنیت اخلاقی صحبت کند میخواهد با کرایه گرفتن عبارات جامعه شناسانه و روانشناسانه قیافه ی مدرن به خودش بگیرد و بگوید این

باز تابستان می‌آید و داغی هوا آتش مبارزه ی روزانه ی زنان با اراد و اوباش حکومت اسلامی را داغ تر میکند. این در شرایطی است که باند های حکومتی به جان هم افتاده اند و خودشان هم دیگر نمیفهمند چه غلطی میکنند. در این رابطه معاون اجتماعی نیروی انتظامی ضمن تشریح اقدامات پلیس در برخورد با "بدپوششان" و "بدحجابان" گفت: "به مقوله بدحجابی باید به صورت ریشه‌ای توجه شود."

ما از صحبت ایشان چنین نتیجه می‌گیریم که برای حل ریشه ای موضوع حجاب در این سرزمین باید ریشه ی تمام اوباش اسلامی را از بیخ و بن بکنیم و واژه ی "حجاب" را به تاریخ بسپاریم. البته سردار اسلام منظور

زنها بگویم دوم که غلط کردیم دست به حرکتی بزنیم اما دست آخر سعی میکنیم په خاکی بر سرمان بریزیم! حال روز جمهوری اسلامی را از همین اولتیماتوم دادن به زنها میشود فهمید و اگر سردار خجالت نمیکشید میگفت بابا حجابها تان را بردارید و مارا سرنگون کنید بلکه بتوانیم کپه ی مرگمان را بگذاریم و خلاص شوی! اما از طرف مقابل بگویم که براستی خیابانهای تهران دیگر دیدنی است. عکسهای جشنواره ی سبیل خودش نشان دهنده ی وضعیت حجاب اسلامی هست. دیگر کمتر میتوانی تشخیص دهی خانمی که از مقابل شما می‌آید حجابی بر سر درد یا خیر! روحیه ی جوانها برعکس سرداران مفلوک اسلامی بسیار پر انرژی است کافی است کمی در ترافیک بمانید تا صدای بلند ترانه‌ها و آهنگ‌هایی که

بار دیگر يك غلطی میکنیم. ولی خودش هم میداند که حریف جوانان پرشوری که با تاب انداختن موهای افشانان آتش به جان این سرداران انداخته اند نیست و برای همین خودش پیشاپیش به استقبال شکستشان میرود و میگوید: "زنان می‌دانند که چه حجابی سالم و درست است و پلیس با آن چیزی که شان زنان را کاهش می‌دهد، برخورد می‌کند." و اینکه: "نیروی انتظامی به دنبال امنیت اجتماعی است و به همین دلیل در ابتدا از شیوه اقماعی استفاده می‌شود. و پس از شیوه اقماعی، از شیوه‌های ترغیبی و تشویقی استفاده می‌شود و در مرحله پایانی و به عنوان آخرین درمان بحث اجبار و شیوه‌های سلبی توسط ماموران اجرایی می‌شود. در واقع سردار میخواهد بگوید اول که غلط کردیم چیزی به

از اتومبیلها بیرون می‌آید خستگی ترافیک را از تن شما بیرون ببرد و برای لحظاتی فراموش کنید که نکستی به اسم جمهوری اسلامی وجود دارد.

تابستانی که در راه است چه بسا سوت پایان مرگ تمام طرحهای امنیت اخلاقی اوباش اسلامی باشد و بساط این جانیان را جمع کند تا مردم بتوانند نفسی راحت بکشند و دیگر سایه ی منحوس حکومت اسلامی را بر سر نداشته باشند و این کاملاً ممکن است و عزم جزم ما را می‌طلبد.*



ساعات پخش برنامه های کانال جدید افزایش یافت!

پخش برنامه های تلویزیون کانال جدید از چهارشنبه ۲ اسفند ۱۳۹۱ برابر با ۲۰ فوریه، به ۴ ساعت در روز افزایش یافت.

کانال جدید هر روز هفته، از ساعت ۱۰ و نیم تا ۱ و نیم شب بوقت ایران (۷ تا ۱۰ شب به وقت اروپای مرکزی) و ۶ و نیم تا ۷ و نیم عصر به وقت ایران (۳ تا ۴ عصر به وقت اروپای مرکزی) پخش میشود.

کانال جدید همه روزه برنامه پخش مستقیم دارد. با برنامه پخش مستقیم تماس بگیرید! فرکانس و ساعات پخش کانال جدید را به اطلاع دیگران برسانید!

به کانال جدید کمک مالی کنید! یاری کنید تا ساعات پخش را باز هم افزایش دهیم!

شماره حساب:

Engaland
Account nr: 45 47 79 81
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West
IBAN:GB77 NWBK 6024 2345 4779 81
BIC: NWBK GB 2L

<http://www.newchannel.tv/>
nctv.tamas@gmail.com

کانال جدید:

شبکه کورد کانال kurd channel

هاتبرد ۸

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانس ۱۱۶۴۲

افقی، سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۶/۵

بازتاب هفته

حمله تروریستی به مردم در بوستون قاتلان کوچک و جنایتکاران بزرگ

یاشار سهندی

"جنگ و زد و خورد و ... همه به نوعی تجارت محسوب می شوند. کسی که یک نفر را کشته یک فرد شرور است. اما کسی که میلیون ها تن را می کشد، یک قهرمان است!" (از دیالوگ فیلم مسیو وردو - چارلی چاپلین)

دوندگان ماراتن در شهر بوستون امریکا به آخر خط نرسیدند که دو بمب آن مسابقه را به خون کشید. دو جوان در میان جمعیت نظاره گر جنایتی بودند که خلق کرده بودند، زیر لب الله اکبر گفتند و راه خود کشیدند و رفتند. ۳ کشته و ۱۷۰ زخمی و معلول حاصل این آخر تلاش تروریسم اسلامی بود.

معلوم شد بمب گذارها دو برادر به نامهای جوهر و تیمور لنگ سارنایف هستند. پلیس بوستون شهر را قرق کرد. با پیدا شدن رد و پی این دو بوسیله مردم، تمام شهر در کنترل کامل پلیس در آمد. برادر بزرگتر، تیمور لنگ درگیری با پلیس کشته شد و برادر کوچکتر متواری گردید. تردد در شهر ممنوع شد. کل مردم شهر شدند "سوژه" پلیس. جستجوی خانه به خانه آغاز شد و تمامی رسانه های خبری به پخش مستقیم ماجرا پرداختند. گویی اگر جوهر سارنایف دستگیر نمیشد ناامنی

تمام جهان را در بر میگرفت. قدرت رسانه بورواژی در این ۲۰ ساعت دستگیری جوهر، برادر کوچکتر، به نمایش کامل گذاشته شد. دلهره و اضطراب نه تنها اهالی شهر بوستون را رنج میداد بلکه به کمک این رسانه ها همه جهان در وحشت تروریستها ننگه داشته بودند. تا بالاخره خبر رسید جوهر سارنایف را که زخمی در قایقی در حیاط یکی از اهالی بوستون مخفی شده بود دستگیر کردند. عده ای از اهالی بوستون که از اضطراب رهایی یافته بودند از پلیس تشکر کردند و رسانه ها خبری گویی به آخر خوش فیلم رسیده باشند این صحنه ها را برجسته کرده و با نشان دادن آمبولانسی که حامل جوهر سارنایف بود به همه اهل جهان اطمینان دادند که "جهان در امن و امان است، آسوده بخوابید!"

بارک اوباما پیام داد که باید گشت و پیدا کرد که این دو که بزرگ شده در خود امریکا هستند چرا دست به چنین کاری زدند؟! رسانه ها از آن روز دریدر دنبال این هستند که بگردند و ببینند که در کودکی ایشان کدام اتفاق باعث شده که در بزرگ سالی کارشان به اینجا برسد که قاتل مردم باشند. پلیس "اف بی آی" ماموران را به داغستان اعزام کرده تا خانواده این دو برادر را سین و جین کنند تا شاید سرنخی بدست آورند که این

کدام روان پریشی بوده که این دو تن را چنین تباه کرده تا محکومش کنند. بنظر میرسد که از پیش حکم قتل جوهر صادر شده و به گفته رسانه ها با توجه به اینکه به احتمال زیاد به کشتار دسته جمعی متهم خواهد شد حکمش اعدام است. جوهر یا اعدام می شود و یا به حبس طولانی مدت محکوم خواهد شد. پرونده بسته خواهد شد و کسی و اتفاقی در کودکی ایشان هم پیدا خواهد شد که بگویند همین عوامل مقصر بودند. تمام شد! چرا که به گفته جمهوری اسلامی "اصل نظام" باید حفظ شود.

ده سال از حمله امریکا به افغانستان میگذرد. قرار بود با این حمله طالبان نابود شده باشد اما به گفته حامد کرزی، رئیس جمهور منتخب دولتهای غربی، امریکا در خفا دو سال است که با این گروه در حال مذاکره است که به سازش برسند! طالبان به کمک دولت پاکستان مسلح میشود و حمایت میگردد و دولت امریکا با این دولت روابط گسترده امنیتی دارد! مناطق مرزی افغانستان با پاکستان بوسیله هواپیماهای بدون سرنشین امریکا بمباران میشود و مردم بی دفاع کشته میشوند به امید اینکه یکی از سران القاعده یا طالبان کشته شوند و از سوی دیگر بارک اوباما با شیخ قطر در حال مذاکره است، دولتی که مصر است که طالبان دفتر نمایندگی اش در دوحه قطر دایر کند؛ "بالاخره یک جا باید باشد، یک کسانی باشند که بشود با ایشان مذاکره کرد!" جنایتکارانی مانند ملاعمر و خامنه ای با وجود محرز بودن جنایتشان طرف مذاکره امریکا هستند، اما دو برادر سارنایف گویا باید تاوان همه جنایت جنبش اسلامی را بدهند. این دو شرور معرفی شدند

و فقط مانده که ریشه شر را در پدر یا مادر یا شاید هفت جد پدری آنها پیدا کنند. و کسی که شرور معرفی شد اول باید خوب تحقیرش کرد و بعد او را کشت. اما با روسای جریان جنایت و تبهکاری میشود و باید مذاکره کرد، نباید مثلا امیر قطر را تحت فشار گذاشت که کمک مالی و تسلیحاتی اش را قطع کند و مثلا اموال فلان شاهزاده عربستانی مصادره گردد چون به طالبان و القاعده کمک میکنند. اما میشود همه کاسه و کوزه ها را سر این دو "برادر چچن تبار" شکاند.

در این ۷۰ ساله آخر، از انفجار بمب اتمی در هیروشیما به

اعتراضات کارگری و اول ۴۴

از صفحه ۳

عدم بازنشستگی خود با ۲۰ سال سابقه کار، تجمع کارکنان منابع طبیعی استان کهگیلویه و بویراحمد جلوی استانداری با خواست کوتاه شدن دست پیمانکار از محیط کار و تجمع اعتراضی جمعی از کارگران بازنشسته و شاغل پالایشگاه آبادان مقابل وزارت نفت تهران در اعتراض به عدم واگذاری منازل سازمانی پالایشگاه به آنان را میتوان نام برد.

قدرمسلم تمامی این اعتراضات تاثیر مستقیم خود را در شهرهای مختلف و بر فضای کل جامعه میگذارد. این چنین است که امروز جنبش اعتراضی کارگری به عنوان یک بخش دائمی اعتراض به وزنه سنگینی در تحولات سیاسی جامعه تبدیل شده است.

در چنین فضایی است که امسال به استقبال اول مه روز جهانی کارگر میرویم. همه این

این سو کشتارهای وسیعی از سوی دولتمردان دنیا صورت انجام شده و اینگونه جلوه داده شده است که آن کشتارها لازم بوده و بعضا قهرمانانه! و از فرماندهان این کشتارها تقدیر و ستایش شد. اما این دو برادر "عقل باخته" باید بار تمام جنایت جهان را به دوش بکشند. جوهر را به قتل خواهند رساند و یا تا آخر عمر در زندان حبس می کنند و چنین جلوه خواهند داد که دنیا از شر یک جانی بزرگ راحت شده در حالی که جانیان بزرگتر که بر سریر قدرتند، همچنان به جنایات خود ادامه می دهند.*

مراکزی که از اعتراضاتشان نام بردم، نورد لوله صفا و دهها مرکز کارگری دیگر در هر شهر میتوانند کانون های داغ اعتراض در روز اول مه باشد و تمام شهرها را به جنبش و جوش درآورند. یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر میتواند فرصت مهمی برای عرض اندام سیاسی کارگران در جلوی صحنه جامعه و بسیج توده های میلیونی مردم علیه فقر و فلاکت و جهنی باشد که رژیم اسلامی حاکم کرده است.

تلاش کنیم در هر کجا که هستیم این روز را به روز اعتراض وسیع خود تبدیل کنیم. میادین اصلی شهرها را به اشغال خود در آوریم و خواسته هایمان را فریاد بزنیم. مهم است که در اول مه تمام کارخانجات، همه مراکز کاری، همه دانشگاهها و همه محلات در تمام شهرها و همه جا رنگ این روز مهم اعتراضی را بخود بگیرد. اول مه را به روز قدرتمندی و اعتراض وسیع خود تبدیل کنیم.*

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بازتاب هفته

باز هم تجاوز در هند قربانی این بار یک دختر بچه ۵ ساله است

بهرز مهرآبادی

این بار یک دختر بچه ۵ ساله قربانی تجاوز در هند شد. روز شنبه ۲۰ آوریل خبر ریودن و تجاوز به این دختر بچه منتشر شد و صدها نفر از مردم شهر دهلی نو در مقابل دفتر پلیس جمع شدند تا خشم و انزجار خود را نسبت به این عمل وحشیانه و بی تفاوتی پلیس به این جنایت، اعلام کنند. این کودک روز دوشنبه ۱۵ آوریل مفقود شد. او پس از اینکه مورد تجاوز و شکنجه قرار گرفت در اتاقی رها شده و در حال مرگ بود. روز چهارشنبه همسایگانی که صدای ناله و گریه او را شنیده بودند، او را پیدا کرده و به بیمارستان رساندند. این دختر بچه در ناحیه تناسلی و شکم دچار جراحات شدیدی است ولی پزشکان نسبت به نجات جان او ابراز امیدواری کرده اند.

در اولین ساعات پس از گم شدن این دختر بچه پدر و مادرش از پلیس کمک خواستند، این خانواده بسیار فقیرند و همین

انتشار اخبار مربوط به این جنایت و بالا گرفتن اعتراضات مردم مقامات دولتی و پلیس را به تحت فشار گذاشت. وزیر کشور هند اعلام کرد که این پرونده را پیگیری خواهد کرد. نخست وزیر هند عملکرد پلیس را غیر قابل قبول اعلام کرد و قول داد که پلیس هایی را که در این مورد کم کاری کرده اند، مورد پیگرد قرار خواهد داد. مرد متجاوز روز شنبه دستگیر شد.

تجاوز در هند پدیده ای عادی است، در چند ماهه اخیر اخبار متعددی از تجاوز به زنان در این کشور منتشر شده است. بیشتر موارد تجاوز مسکوت گذاشته میشود. یا مقامات پلیس و قضائی به آن بی اعتنا هستن و یا اینکه قربانیان تجاوز بی دفاع هستند و با اعلام شکایت مورد حملات و آزار قرار می گیرند. مهمترین دلیل وقوع تجاوزات را باید تسلط سنن و قوانین مرد سالارانه و بی تفاوتی مقامات اداری و پلیس نسبت به تجاوز به زنان دانست. انتشار یافتن خبر تجاوز گروهی به یک دختر دانشجوی ۲۳ ساله در ماه دسامبر موجی از اعتراض در میان مردم هند و بویژه زنان ایجاد کرد، این اعتراضات به درگیری های گسترده با نیروهای پلیس منجر شد و مقامات دولتی را وادار ساخت تا به پرونده های تجاوز بطور جدیتر رسیدگی کنند. اکثریت کسانی که مورد

تجاوز قرار می گیرند از خانواده های فقیر هستند. فساد و رشوه خواری گسترده در میان ماموران پلیس و مقامات قضائی به راحتی پرونده های مربوط به تجاوز را می بندد. مهمتر از همه تحقیر و فرودست نشان دادن زنان یک ابزار مهم سرمایه داری هند برای پائین نگاه داشتن دستمزد زنان و استثمار مضاعف آنان است. زن ستیزی تا اعماق مناسبات اجتماعی، اقتصادی و

تجاوز در هند پدیده ای عادی است، در چند ماهه اخیر اخبار متعددی از تجاوز به زنان در این کشور منتشر شده است. بیشتر موارد تجاوز مسکوت گذاشته میشود. یا مقامات پلیس و قضائی به آن بی اعتنا هستن و یا اینکه قربانیان تجاوز بی دفاع هستند و با اعلام شکایت مورد حملات و آزار قرار می گیرند. مهمترین دلیل وقوع تجاوزات را باید تسلط سنن و قوانین مرد سالارانه و بی تفاوتی مقامات اداری و پلیس نسبت به تجاوز به زنان دانست. انتشار یافتن خبر تجاوز گروهی به یک دختر دانشجوی ۲۳ ساله در ماه دسامبر موجی از اعتراض در میان مردم هند و بویژه زنان ایجاد کرد، این اعتراضات به درگیری های گسترده با نیروهای پلیس منجر شد و مقامات دولتی را وادار ساخت تا به پرونده های تجاوز بطور جدیتر رسیدگی کنند. اکثریت کسانی که مورد

اما بجز اعوان و انصار دولت و کسانی که با اجبار و با اکراه به استادیوم آورده شده بودند، بخش بزرگی از حاضران کسانی بودند که می خواستند برای اولین بار نشستن دختران و پسران در کنار یکدیگر در استادیوم آزادی را تجربه کنند. فیلم ها و تصاویر دختران و پسرانی که در جایگاهها مشغول رقصند، نشان می دهد که آنها از هر فرصتی برای زیر پا گذاشتن قوانین ارتجاعی اسلامی،

سیاسی جامعه هند ریشه دارد. اعتراضات گسترده زنان و مردم برابری طلب هند علیه تجاوز به زنان و جنبش علیه تبعیض و برابر طلبانه زنان و مردان در هند هنوز در ابتدای راه است. گسترش و قدرت گیری این جنبش در گرو این است که بسیاری از مناسبات اجتماعی و اقتصادی حاکم بر هند را هدف بگیرد. این جنبش نبردهای سنگینی در پیش روی خود خواهد داشت.*

صندلی امام زمان در استادیوم آزادی نبود

بهرز مهرآبادی

استفاده می کنند و در مقابل آن می ایستند و می دانند که در آنجا او باش رژیم جرئت تعرض به آنها نخواهند داشت. دیالوگ یکی از فیلم های منتشر شده این را نشان میدهد. مامور انتظامی و حراست دختران جوانی را که می رقصند، تهدید می کند: "فیلمبرداری میشه"، اگه می خواین برقصین لطفا برین رقص خونه". و دختران در پاسخ فریاد می زنند: "حق مرد، حق زن، نیمی از آزادی" و "ورود به استادیوم حق مسلم ما است".

همه اعضای دولت اسلامی در استادیوم حاضرند، اما صندلی امام زمان که همیشه در جلسات کابینه گذاشته میشد، در انبار خاک می خورد. از قرآن خوانی و حتی از "روضه عروسی علی اصغر" هم که در مجالس "شادی" آنها خوانده میشود، خبری نیست. احمدی نژاد فتیله هاله نورش را پائین کشیده است و بجای آن پرچم ناسیونالیسم را بالا برده است. او هم با همه بلاهتش تلاش می کند که از نفرت و انزجار مردم از قوانین اسلامی بهره ببرد. اما رقابیش درست فهمیده اند، او دست به بازی خطرناکی زده است، توفانی که در راه است نظام اسلامی و حکومت او را از جا خواهد کند.*



اعدام حداقل ۱۴ نفر در یک هفته در ایران

دامنه جنایات حکومت خونریز اسلامی محدود به ایران نیست
اعدام ۱۳ نفر از مهاجرین افغانستانی و
اعتراض مردم هرات به این جنایت در هفته گذشته



به چه جرم کشتی؟

این فریاد اعتراض ۴۰۰ نفر در مقابل کنسولگری جنایتکاران در هرات بود.

حکومت اسلامی ایران به دستور رییس جنایتکار قوه قضاییه، هفته گذشته حداقل ۱۴ نفر را در زندانهای ایران کشت. این جنایات در ادامه قتل ۹ نفر در شیراز بود. آمار اعدامها در ایران سرسام آور بالا رفته و روزی نیست که در زندانی و یا در خیابانی افراد را نکشند. اینها آمار اعدامهایی است که خبرش به بیرون درز پیدا میکند. آمار از اینها بسیار بالاتر است و رژیم سعی در مخفی نگه داشتن این اعدامها دارد. جمهوری جنایتکار اسلامی دسته دسته جوانان از افغانستان را نیز میکشد و این هفته مجدداً مردم افغانستان به این اعدامهای وحشیانه اعتراض کردند.

در کرمان ۴ نفر در روز شنبه به اتهام مواد مخدر اعدام شدند. خانواده های اعدامیها تقاضای عفو کرده بودند و رئیس قوه قضاییه نپذیرفت و دستور اعدام داد. فروردین بامداد روز شنبه ۳۱ فروردین ماه، ۵ زندانی که ۲ نفر آنها از اتباع افغانستان می باشند در زندان

مرکزی زاهدان اعدام شدند. سن زندانیان اعدام شده بین ۲۱ الی ۴۸ سال می باشد.

به گزارش «فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران» اسامی زندانیانی که در زندان مرکزی زاهدان اعدام شدند به قرار زیر می باشد:

عباس کریمی ۲۱ ساله از اتباع افغانستان، وی بیش از ۲ سال در زندان بسر می برد او در بند ۳ زندان زاهدان زندانی بود، جعفر سردشتی ۲۳ ساله، نزدیک به ۳ سال در بند ۲ زندان مرکزی زاهدان زندانی بود،

عبدالغنی گرگیت ۲۸ ساله، نزدیک به ۲ سال و نیم در بند ۳ زندان زاهدان زندانی بود، اقبال شه بخش، ۵۰ کشمیر عالی زهی ۴۸ ساله از اتباع افغانستان، از بند ۷ زندان مرکزی زاهدان

این پنج زندانی، روز پنجشنبه ۲۹ فروردین ماه به سلولهای انفرادی منتقل شدند

در حال حاضر حداقل ۱۰۰ زندانی در زندان مرکزی زاهدان در انتظار اجرای حکم اعدام بسر می برند.

از دو هفته پیش تا به امروز در

محوطه زندان اعدام شد.

دو نفر در مشهد اعدام شدند

جوان ۲۱ ساله کارگری در زندان مشهد روز چهارشنبه اعدام شد، به او اتهام تجاوز زده بودند. در محل اجرای حکم مقامات خونخوار رژیم اعلام کردند که این جوان و و کیل او تقاضای فرجام کرده بودند ولی دادگاه بالاتر رژیم حکم را تایید و به دستور رییس قوه قضاییه اعدام شد. فرد دیگری که همان روز در مشهد اعدام شد ۴۱ سال سن داشت و به اتهام تجاوز در خانواده اش محکوم به اعدام شده بود. حکم او در زندان مرکزی مشهد اجرا شد.

اعدام دو نفر در زندان رجایی شهر کرج

روز چهارشنبه ۲۸ فروردین حداقل دو زندانی در این زندان اعدام شدند. حسین جفلکی متولد ۱۳۶۸ یکی از اعدام شدگان بود. او تا کنون سه بار پای چوبه دار رفته و هر بار بدلیل اعتراض حکم اجرا نشده بود. از مشخصات نفر دوم که اعدام شد خبر دقیقی در دست نیست. به چه جرم کشتی؟

افراد خانواده ۱۳ اعدام شده در ایران روز چهارشنبه در مقابل کنسولگری حکومت اسلامی در هرات تجمع کرده و در حالیکه پیکرهای عزیزان اعدام شده خود را در مقابل در کنسولگری گذاشته بودند از جنایتکاران حاکم می پرسیدند به چه جرم کشتی؟ این ۱۳ نفر همه از مردم هرات بودند.

تظاهرکنندگان که ۴۰۰ نفر بودند علیه حکومت اسلامی شعار میدادند و از سازمان ملل میخواستند که قاتلین این افراد را محاکمه کند. یک زن ۶۵ ساله در این میتینگ حرف زد و با گریه گفت دو نوه مرا اعدام کرده اند در حالیکه این دو جوان برای کارگری به ایران رفته بودند چرا آنها را کشتید چه کسی باید جواب بدهد. او از حکومت افغانستان شدیداً انتقاد کرد و گفت برای پیگیری سرنوشت این جوانان دولت هیچ کمکی نکرد و خودمان رقتیم و اجساد را تحویل گرفتیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام ضمن محکوم کردن این موج وحشیانه و گسترده اعدامها در ایران هشدار میدهد که هر چه به انتخابات کذایی حکومت اسلامی نزدیک میشویم رژیم از ترس اعتراضات مردم و یا شورش در جامعه به اعدامهای بیشتر دست میزند. هدف از این اعدامهای گسترده و اعدامهای علنی ترساندن مردم است. حکومت فاشیست اسلامی آماده جنایتکاری بیشتر است و باید متحذانه و بیش از پیش همه مخالفین حکومت اسلامی و همه مردم منجر از حکومت اسلامی در ایران و در سراسر جهان به این اعدامها اعتراض کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
 ۲۱ آوریل ۲۰۱۳



سی خرداد ۱۳۹۲ - بیستم ژوئن ۲۰۱۳ صدای اعتراض زندانیان سیاسی باشیم

شیوا محبوبی
سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی
زندانیان سیاسی در ایران
۲۱ آوریل ۲۰۱۳
برای اطلاعات بیشتر از طریق با
وبلاگ زیر با ما تماس بگیرید
www.20juneiran.wordpress.com

Sarvar Kardar
Coordinator
+47 (0) 4133 3268
freepoliticalprisoners@gmail.com

زندانیان سیاسی میباشد. برنامه
های این روز از هم اکنون در
شهرهای، استکهلم در سوئد، اسلو
در نروژ، واشنگتن آمریکا، لندن
انگلستان اعلام شده است. ما از شما
مدافعین آزادی زندانیان سیاسی
دعوت میکنیم که از هر طریق
ممکن در این روز جهانی شرکت
کنید و صدای رسای شکست ناپذیر
زندانیان سیاسی را به گوش جهانیان
برسانید.

شکستی دیگر برای جمهوری اسلامی

از صفحه ۶

میگوید: "اساسا حکم گرداندن اراذل
و اوباش را قضات صادر می کنند که
این مسئله نیز باید در زمانی باشد
که آثار مثبتی به همراه داشته باشد و
اگر نیروی انتظامی برای اجرای حکم
وارد عمل می شود، تنها همان حکم
را باید اجرا کند."
در برابر اعتراضات گسترده
مردم، احمدی مقدم در مقام دفاع
برخاسته و میکوشد با گفتن اینکده
آنها صرفا مجری احکام صادر شده
اند، تلاش دارد تا گریبان خود را
خلاص کند. همچنین می بینیم که
او چگونه به غلط کردن افتاده و با
زبونی تمام میکوشد تا راه عقب
نشینی شان را فراهم کند.

سخنان احمدی مقدم جنایتکار
بطور واقعی اعلام شکست آشکار
رژیم اسلامی در برابر قدرت اعتراض
مردم است. این سخنان يك دستاورد
مهم برای جنبش اعتراضی مردم
علیه رژیم اسلامی و سرکوبگرهایش
و علیه ستمکشی زن است. کشاندن
رژیم اسلامی به چنین موضعی
زبونه ای نتیجه مستقیم قدرت
متحد مبارزه ما مردم است. قدرت
خود را ببینیم و گامهای بعدی را به
جلو برداریم. این "فتنه ایست" که
جنش رهایی زن، با نشانه رفتن رژیم
اسلامی و قوانین ارتجاعی اسلامی
اش دارد به جلو میرود. به "فتنه"
و به این جنبش بپیوندیم.

مریوان" اعلام گردید. در همین
فاصله در شهرهایی چون سلیمانیه
و پنجویین در کردستان عراق
اکسیونهایی اعتراضی علیه رژیم
آپارتاید جنسی ایران و در حمایت از
اعتراضات مردم مریوان علیه زن
ستیزی رژیم اسلامی بر پا شد.
این نبردی است که همچون
موجی به راه افتاده و دامنه اش هر
روز ابعاد اجتماعی تری بخود گرفته
است. کارگران در آبادان با ارسال اس
ام اس به بیش از هزار آدرس حمایت
خود را از این اعتراضات اعلام
کردند. کارگران بازنشسته در تهران
از همین طریق اعلام حمایت نمودند
و این موج اعتراضی همچنان در
حرکت است. يك موج اعتراضی
انسانی و آزادیخواهانه که علیه
آپارتاید جنسی رژیم اسلامی قد علم
کرده است. احمدی مقدم در برابر این
موج است که چنین عاجزانه به سخن
گفتن برآمده است.

او در رابطه با اتفاقات مریوان
میگوید: "لباس زنانه به آن گونه ای
که در کردستان داشته ایم، نبوده؛ اما
پارچه قرمزی را به سر این فرد
انداخته بودند که قشنگ نیست و
تذکرات لازم نیز به این افراد داده
شد." او در ادامه همین سخنان چنین

ما شاهد این هستیم که زندانیان
سیاسی در رابطه با اعدامها، دفاع از
همبندیهایشان و حتی مسائل
سیاسی ایران در مناسبتهای مختلف
بیانیه صادر میکنند. این قدرت
مبارزه مردم و عقب نشینی رژیم را
نشان میدهد. زندانیان سیاسی حتی
تحت شکنجه و فشار به مبارزه خود
ادامه داده اند؛ وظیفه ما رستار کردن
این صدا و رساندن پیام زندانیان
سیاسی به گوش جهانیان است.
روز جهانی در حمایت از
زندانیان سیاسی، بیستم ژوئن
۲۰۱۳ برابر با سی خرداد
۱۳۹۲ بهترین فرصت برای تقویت يك
همبستگی جهانی در حمایت از

زندانیان سیاسی در مقابل یورش
مزدوران دست به اعتراض زدند و
شعار دادند: مرگ بر دیکتاتور،
مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه
رهبر. زندانیان سپس در مجمع
عمومی خود تصمیم گرفتند در
اعتراض به رفتار وحشیانه ماموران
زندان به مدت سه روز از تحویل
غذای زندان خودداری کنند.
این اولین بار نیست که
زندانیان با مزدوران اسلامی در
زندان درگیر میشوند. ما مرتبا
شاهد اعتراض زندانیان سیاسی در
اشکال مختلف از جمله ارسال نامه
به سازمانهای جهانی، فراخوان به
مردم و یا اعتراض در زندان هستیم.

طبق گزارشات در تاریخ ۲۸
فروردین ماموران گارد ضد شورش،
به زندانیان سیاسی در سالن ۱۲ بند
۴ زندان رجائی شهر یورش برده و
زندانیان را مورد فحاشی و توهین
قرار دادند. ماموران اقدام به تخریب
لوازم زندانیان کردند و تلاش کردند
تلفن های تماس زندانیان با بیرون
زندان را از آنها بگیرند تا از پخش
اخبار به خارج از زندان جلوگیری
کنند. در جریان این یورش نامق
محمودی ۶۳ ساله، را مورد
حمله و ضرب و شتم قرار دادند. این
حمله مزدوران رژیم مانند موارد
پیش مورد اعتراض زندانیان قرار
گرفت.

اولین اعتصاب بزرگ کارگری در سال جدید، تولید در کارخانه نورد لوله صفا را متوقف کرد

اتحادیه آزاد کارگران ایران:

از اولین ساعات صبح امروز صد کارگر اخراجی کارخانه نورد لوله صفا در اعتراض به اخراج و عدم پرداخت حقوق شان بطور اعتراض آمیزی وارد این کارخانه شدند و با پیوستن همه کارگران به آنان، تولید در این کارخانه متوقف شد. بنا بر گزارشهای رسیده به

اتحادیه آزاد کارگران ایران صبح دیروز کارفرمای این کارخانه با عدم تمدید قرارداد صد نفر از کارگران دست به اخراج آنان زد و برای تسهیل اخراجهای بیشتر، قرارداد شش ماهه و یکساله ۱۱۰۰ کارگر دیگر را فقط بمدت یکماه تمدید نمود. همه اینها در حالی است که قرار بود بیستم فروردین ماه قسمتی از مطالبات

موقوفه این کارگران پرداخت شود اما کارفرمای این کارخانه نه تنها در روز بیستم فروردین به وعده خود عمل نکرد بلکه در اقدامی برای به تمکین واداشتن کارگران صد نفر از آنان را اخراج و قرارداد مابقی کارگران را بمدت یکماه تمدید کرد. بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران

بدنبال ورود اعتراض آمیز صد کارگر اخراجی به داخل کارخانه نورد لوله صفا و پیوستن دیگر کارگران به آنان که از صبح امروز منجر به آغاز اعتصابی متحدانه در این کارخانه شد مدیران کارخانه تلاش کردند با تهدید کارگران، آنان را وادار به شکستن اعتصاب کنند اما با واکنش شدید کارگران مواجه شدند که در مواردی به درگیریهای

شدید لفظی ما بین کارگران و مدیران کارخانه کشیده شد.

اعتصاب کارگران کارخانه نورد لوله صفا با پیوستن کارگران شیفت شب به اعتصاب تا لحظه دریافت این خبر (۱۹ عصر) همچنان ادامه دارد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران -
اول اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

جنبش زنان سرخپوش مریوان یک ارزیابی

از صفحه ۴

مثلا يك زن كه فعال حقوق زنان است نوشته بود كه در مقاله ای به اسم "نه همین لباس زیباست نشان آدمیت" آیا این مردان خودشان در خانه به همسران خود احترام میگذارند و یا ...
بنظر من يك واقعه سیاسی مهم اتفاق افتاد و آن این بود كه تعدادی مرد كه اتفاقا بدلیل وجود سالهای سال مبارزه علیه ستم ملی در كردستان این بار با

لباس زنانه در دفاع از حقوق انسانی زنان عكس میگیرند و این را علنی میکنند این درخود يك حرکت بسیار تابو شکنانه و خلاف جریان است و شجاعت زیادی می طلبد. چرا كه پوشیدن لباس زنانه حتی در غرب هم از طرف مردان عادی نیست. در حالیکه اگر زنان لباس مردانه بپوشند، اصلا به موضوعی تبدیل نمیشود. بویژه اینکه مردان در کشورهای اسلام زده و با بودن فرهنگ مردسالارانه و ضد زن، لباس زنانه بپوشند، در

از سوی مردان بود كه به درست مورد توجه رسانه های بین المللی قرار گرفته است. عده ای هم این روش اعتراض را مكرره! دانسته و از كنارش گذشتند بسیاری سكوت کرده و تعدادی هم دیدیم كه وسط دعوا نرخ تعیین میکردند و در حقیقت بنظر من سوراخ دعا را گم کرده بودند.



حکومت اسلامی دعوا شد و نماینده مریوان مجبور شد حرفی بزند و به همراه ۱۷ نماینده دیگر نامه ای نوشت که ظاهرا راضی اش کردند اینرا مسکوت بگذارد. حرف از استعفای وزیر کشور به میان آمد و ...
اعتراضات ادامه دارد و گسترش می یابد. بنظر من این مبارزه باید ادامه یابد و فراخوان من اینست که در همه جا در ایران و در دنیا باید به این رفتار شنیع حکومت اسلامی اعتراض کرد و حکومت زن ستیز اسلامی را بیش از پیش تحت فشار گذاشت. مبارزه زنان سرخ پوش مریوان و ابتکار مردانی که در دفاع از حقوق و حرمت زنان لباس زنانه پوشیدند از هر نظر قابل تقدیر و پشتیبانی گرم است.*

خود يك انقلاب است و باید اینرا دید.
بنظر من تاریخ مبارزه در كردستان و در ایران در دفاع از حقوق و حرمت زنان، از این واقعه به بعد تصویر دیگری دارد و این يك درافزوده مهم در دفاع از حقوق زنان در ایران است.
این مبارزه باعث شد سردهسته ارادل و اوپاش حکومتی، احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی، اعلام عقب نشینی کند که "از این پس از این روشهای قرون وسطایی مجازات استفاده نمیکند و در مریوان نیز لباس زنانه بر تن متهم نکرده اند فقط يك روسری قرمز بر سرش انداخته اند که آنها هم درست نبوده است".
اعتراضات مردم بالایی ها را به جان هم انداخت، در مجلس



گزارش تصویری از تظاهرات ۲۰ آوریل در دفاع از حق پناهندگی در شهر استکهلم



گرامی باد اول مه روز جهانی کارگر

پرستاران بیکاران
بازنشستگان و همه مردم
محروم را به برپایی هر چه
وسیعتر و باشکوهتر اول مه
فرا میخوانیم. باید در
تجمعات بزرگ و کوچک گرد
آییم و ۱۱ اردیبهشت را به
روز جشن و نمایش
اتحادمان علیه مفتخوران بی
خاصیت حاکم تبدیل کنیم.

زنده باد اول مه - زنده باد
انقلاب کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران

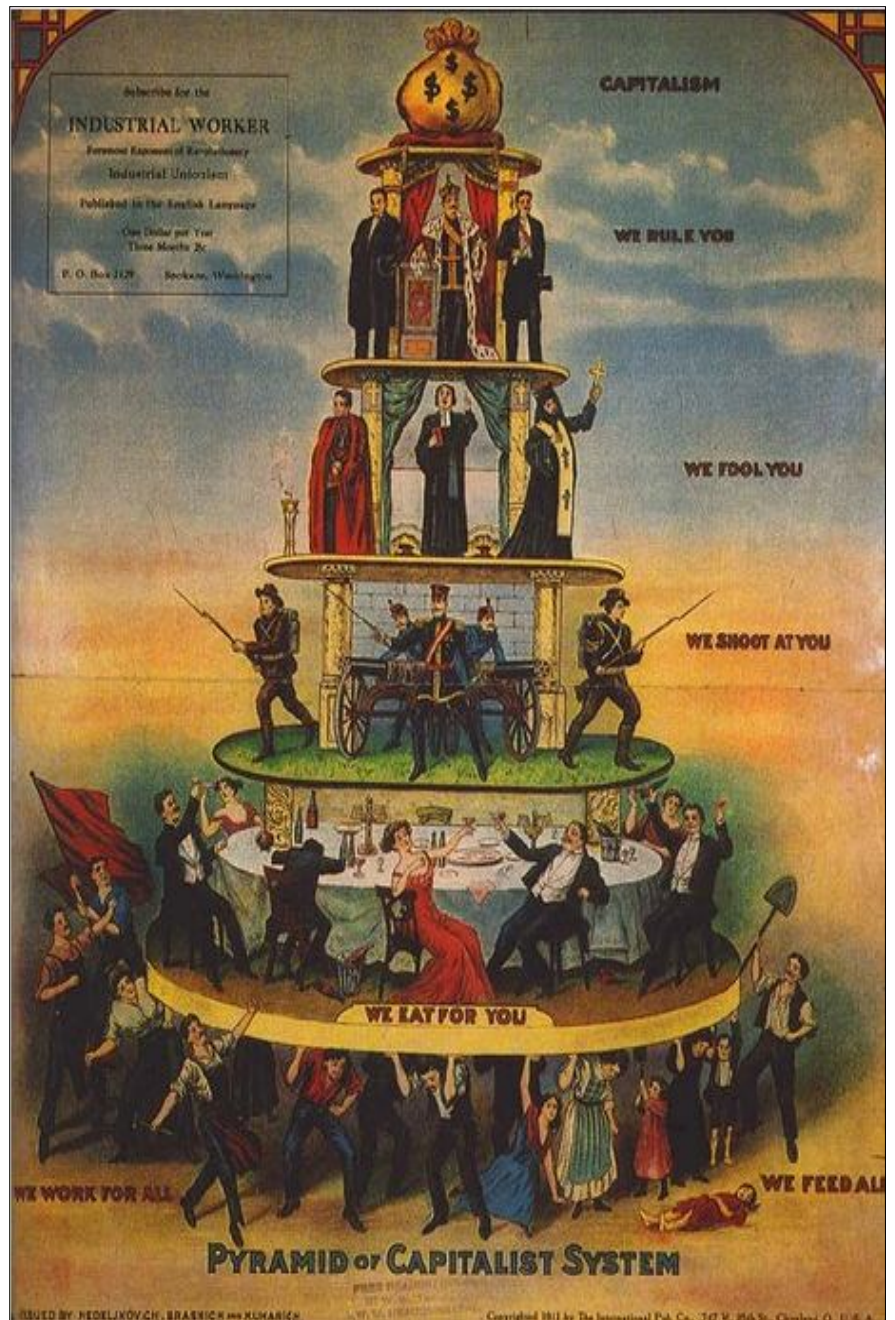
اول مه (۱۱ اردیبهشت) روز
جهانی طبقه کارگر است.
روز طبقه ای که تمام
ثروتهای تولید شده جامعه با
دست او ساخته میشود و
خود محروم ترین و بی
اختیار ترین بخش جامعه
است. اول مه روز اعتراض به
سیطره یک اقلیت مفتخور بر
۹۹ درصد مردم جامعه
است. روز کیفرخواست ۹۹
درصدی ها علیه حاکمین و
ما کارگران معلمان

هرم سرمایه داری - تصویر روی جلد مجله "کارگر صنعتی" واشنگتن

خوریم (سرمایه داران)
* ما بجای همه کار می
کنیم، غذای همه را تامین
می کنیم (کارگران)

دهیم (کارگزاران دستگاه
مذهب)
* ما به شما شلیک می
کنیم (ارتش)
* ما به جای شما می

از بالا به پائین:
* سرمایه داری
* ما بر شما حکومت می
کنیم (دربار - حکومت)
* ما شما را فریب می



Savagery of the capitalist class knows no bounds



SOCIALISM NOW!

حزب کمونیست کارگری ایران
WPKI
Worker Communist Party of Iran

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سر دبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود